

دزدی های اتحاد شوروی

الف از دارائی های عامه:

۱- گاز طبیعی: در سال ۱۹۶۳ (۱۳۴۲) جیولوجیستان افغان- شوروی برای بار اول گاز طبیعی را در ساحة خواجه گوگردک ولایت شبرغان کشف نمودند و به تعقیب آن در سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۶) چندین ساحة گاز دار به ظرفیت ۵۰۰ تریلیون مکعب فیت گاز کشف گردید. با کشف این مقدار بزرگ گاز، دزدان سرخ فوراً و بصورت عاجل پلان دزدی و استثمار گاز طبیعی افغانستان را رویدست گرفتند و کار اعمار پایپ لاین را به طول ۶۰ مایل به مصرف حکومت افغانستان در سال ۱۹۶۷ (۱۳۴۶) آغاز و در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) تکمیل نمودند. از آن تاریخ تا زمانیکه حکومت دست نشاندۀ شان سقوط و امپراتوری غارت گر دزدان سرخ در باطله دانی تاریخ سپرده شد، چهار صد و هشتاد و پنج تریلیون مکعب فیت گاز افغانستان را به اتحاد شوروی انتقال دادند، اگر به رژیم محمد داوود و بعداً نوکران خلقی و پرچمی شان در برابر هر تریلیون مکعب فیت، یک دالر به حکومت افغانستان تادیه میکردند، حکومت و مردم افغانستان بسیار غنی می بودند.

لهذا با جرأت میتوان گفت که دزدان و استثمارگران سرخ اتحاد شوروی نه تنها قروض شانرا که به ذمت حکومت افغانستان بود، پس گرفتند، بلکه مصارف تجاوز، اشغال و عملیات نظامی شانرا از پول گاز کشورما تمویل و مبالغ هنگفتی را نیز دزدیدند.

۲- سنگهای قیمتی گدام خانه های به اصطلاح (خانه خلق):

رژیم تره کی و امین سنگ های قیمتی را به نمایش گذاشته بودند که قیمت آنها ۶۰ میلیون دالر تخمین شده بود.

۳- دستگاه مخابراتی و تفنگچه های پولیس وزارت داخله که از کشور آلمان جدیداً خریداری شده بود.

۴- یورانیوم از ولسوالی خانشین ولایت هلمند و هزاره بغل ولایت کابل.

۵- دزدی زمرد از معدن آستانه ولسوالی پنجشیر.

۶- دزدی بیرات از معدن بیرات سنگدلان ولایت هرات.

۷- دزدی اوراق و اسناد قرارداد های رسمی بین الدول که اتحاد شوروی و افغانستان آنرا امضاً نموده بودند، از آرشیف وزارت خارجه افغانستان.

۸- دزدی آثار گرانبها و عتیقه از موزیم کابل، درحالیکه نورالحق علمی قوماندان قوای مرکز رژیم ببرک کارمل امنیت دزدان سرخ شوروی را تأمین میکرد.

۹- دزدی ارزی یا اسعار خارجی از د افغانستان بانک در حدود ۶۰۰ میلیون دالر.

۱۰- دزدی نقشه های ذخائر طبیعی کشور ما که به مصرف حکومت افغانستان تهیه شده بود و متخصصین خاین اتحاد شوروی نه تنها آنها را به دسترس جیولوجیستان افغان قرار ندادند تا از آنها در کشف ذخائر طبیعی میهن شان استفاده میکردند، بلکه آن نقشه ها را دزدیده و باخود برده اند و یک تعداد نقشه های مهم دیگر را غیر قابل استفاده ساخته اند.

۱۱- دزدی دهلیز استراتیژیک و اخان (کارمل و دیگر لیبران وطن فروش پرچم در دزدی آن با دزدان سرخ همدست بودند).

ب- دزدی دارائی های خصوصی:

۱- دزدی و چور و چپاول سرای افضل توسط صاحبمنصبان و افراد اردوی سرخ اتحاد شوروی اشغالگر.

۲- دزدی اسعار یا ارز خارجی سرای شهزاده یا سرای شازده واقع لب دریای کابل.

۳- دزدی امول الکترونیکی مارکیت الکترونیک که در جوار مغازه قاری امان نوائی موقعیت داشت.

۴- دزدی اموال افراد شخصی از ولایات کشور ما توسط ادوی سرخ شوروی اشغالگر.

د- دزدی های لیبران رژیم دست نشاندۀ:

۱- دستبرد از دارائی های سفارتخانه ها:

- ببرک کارمل از سفارت افغانستان در یوگوسلاویا- ۷۵۰۰۰ دالر.

- داکتر نجیب از سفارت افغانستان در تهران - یک میلیون ریال.

- نور احمد نور از سفارت افغانستان مقیم واشنگتن - ۲۱۰۰۰۰۰ دالر.

بهمین ترتیب بریالی برادر کارمل از سفارت افغانستان مقیم اسلام آباد، اناهیتا راتب زاد از سفارت افغانستان مقیم پراگ، عبدالوکیل از سفارت افغانستان مقیم لندن، فیض محمد وزیر از سفارت افغانستان مقیم بغداد، عبدالمجید سربلند در بمبئی و به همین گونه سفرا و قونسل های رژیم کابل در هر کشور و هر شهری که تعیین شده بودند، دارائی های سفارتخانه ها و قونسل گری های افغانستان را تا جائیکه توان داشتند، دزدیدند و در ماسکو با ببرک کارمل پیوستند و بعد از آنکه میهن ما را در بدل چوکی غلامی و نوکری در ماسکو به استعمارگران سرخ اتحاد شوروی فروختند، سوار میلیه تانک های اردوی سرخ شوروی شده شاه شجاع وار با بیشتر از یکصد هزار عسکر تا دندان مسلح وارد کابل شدند و در پستهاییکه قبلاً برای خود انتخاب نموده بودند، نصب گردیدند.

۲- دستبرد ارز یا اسعار دافغانستان بانک:

عبدالوکیل وزیر مالیه رژیم دست نشانده کابل به امر و هدایت رژیم، ملیون ها دالر بیت المال را در یکی از بانک های ماسکو انتقال داده است.

*- **عبدابصیر (رنجبر)** برادر عبدالصمد از هر و برادر عبدالکبیر (رنجبر)، فعلاً وکیل در ولسی جرگه، داماد اناهیتا راتب زاد.

در رژیم دست نشانده کارمل، رئیس عمومی بانک های کابل بود. این پرچمی دزد، برای اینکه از دیگر دزدان پرچمی پس نمانده باشد، از بیت المال یکصد هزار دالر امریکائی را دزدیده و به یک هندوی افغان به سود داده بود، زمانیکه استعمارگران سرخ اتحاد شوروی توسط فرزندان واقعی و اصیل افغان و مجاهدین راستین اسلام شکست خوردند و رژیم دست نشانده از هم فرو پاشید، قاتلین و وطن فروشان از ترس محاکمه ملت فرار را بر قرار ترجیح داده از کشور فرار نمودند، بصیر (رنجبر) به اصطلاح کمونیستان افغان خود را در مرکز کشور امپریالیست برتانیه مخفی نمود. تاجر هندوی افغان خود را به لندن رسانیده پول های را که رنجبر از بانک های کابل دزدیده و به تاجر مذکور به سود داده بود، یکصد هزار دالر را در لندن به رنجبر دزد مسترد می نماید، اما رنجبر بجای تشکری از وی، طالب سود چندین ساله آن پول میشود، تاجر هندوی افغان به تقاضای رنجبر چنین پاسخ میدهد: پول شما را روی این منظور مسترد می نمایم تا فردا نگوئید یک هندوی افغان پولهایم را خورد، ورنه در این کشور یک سنت آنرا از نردم گرفته نمی توانید.

*- **مولوی حجت** ملعون که فاقد تحصیلات عالی است، از یک مدرسه دینی کابل فارغ گردیده ابتدا عضو ستم ملی بود و یک بار به نسبت کدام جرم و جنایتی که مرتکب شده بود، زندانی گردیده بود و بعداً این ملحد و بی خدا برای چوکی خود را به حزب پرچم فروخته و توسط رژیم دست نشانده اتحاد شوروی بحیث وزیر امور اسلامی رژیم کارمل در خدمت استعمار گران سرخ روسی قرار داشت و فعلاً این ملحد در یکی از شهرهای کشور آلمان بود و باش دارد. این بنده مادیات در آنجا خانمهای ساده و خوشباور افغان را فریب داده خود را به تجارت بی زحمت و پر منفعت تعویذ مصروف ساخته است.

*- **محمد آصف فروزان** در رژیم محمد داوود مامور مدیریت عارضین صدارت بود و باسناد معرفتی که با برادرزاده حفیظ الله امین داشت، در رژیم تره کی بحیث مدیر خدمات وزارت صحت عامه و بعداً زمانیکه حفیظ الله امین در جنگ قدرت، نورمحمد تره کی را از بین برد و خود منشی عمومی کمیته مرکزی گردید، برادرزاده و داماد خود اسدالله امین را بحیث رئیس کام تعیین نمود، اسدالله امین فروزان را از وزارت صحت عامه بحیث مدیر اداری آن ریاست تعیین نمود. فروزان بعداً در رژیم دست نشانده کارمل، همکار داکتر نجیب بود و زمانیکه اتحاد شوروی داکتر نجیب را بجای کارمل نصب نمود، ریاست آگسا به خاد و بعداً واد (وزارت امنیت دولتی) ارتقا نمود و فروزان بحیث رئیس اداری آن وزارت در خدمت رژیم دست نشانده اتحاد شوروی قرار داشت. فروزان از اموال مردم که توسط دستگاه استخبارات چور و چپاول شده و به آن دستگاه تحویل داده می شد، از آن مدرک پول و ثروت هنگفتی صاحب شد که از برکت آن پولهای باد آورده، چهارده بار (۱۴) ازدواج نموده و هر چهارده نفر شانرا را طلاق داده است و زمانیکه رژیم دست نشانده (نجیب) از هم پاشید، فروزان مانند دیگر وطن فروشان و قاتلین از وطن فرار و در تاشکند مخفی گردید و در آنجا با یک زن تاجکی ازدواج کرد که تا کنون در قید نکاح وی میباشد. اکثر فرزندان فروزان در کشورهای اروپائی بود و باش دارند، اما خود وی با خانم تاجکی خود در کابل زندگی می نماید. فروزان باوجود آنکه از دارائی های عامه و از مال ملت بی اندازه استفاده ناجائز نموده و در خدمت وطن فروشان و استعمارگران سرخ روسی قرار داشت، امروز در وزارت تجارت کرسی بحیث رئیس اقتصاد آن وزارت کار میکند، چوکی ایکه اصلاً اهلیت آنرا ندارد.

*- **عبدالغنی صافی:** مشهور به زنبور- وی از ولایت لغمان است و در رژیم محمد داوود در ولایت کابل صاحب منصب پولیس و امر توقیف ولایت بود. زمانیکه حکومت سران حزب دیموکراتیک خلق (لیدران خلقی - پرچمی) را توقیف نمود، صافی که بخاطر چوکی و پول پرچمی شده بود، حیثیت مهماندار آنها را داشت و در خدمت آنها قرار

گرفته بود. با رویکار آمدن کمونیست ها، داکتر نجیب رئیس خاد و غلام فاروق (یعقوبی) لغمانی معاون خاد تعیین گردید و صافی خود را به ریاست خاد تبدیل نمود و به تعقیب آن قوماندان غند ۱۰۱ مکروریان گردید و مانند دیگر پرچمی ها یک آپارتمان را مفت و مجانی مالک گردید و گذشته از آن از اهل هنود و پسران اشراف خلقی و پرچمی که افراد غند را تشکیل میدادند، پول بی حساب بدست آورد و نسبت چور و چپاول ایکه در غند ۱۰۱ براه انداخته بود، از وظیفه سبک دوش و به تقاعد سوق گردید، اما نسبت حرص و آز مادی که داشت این بار در **وزارت اقوام و ملیت ها** برای خود وظیفه دست و پا نموده بحیث امر یا مدیر **ملیت ها (*)** در ولایت ننگرهار مقرر گردید. امریت قبائل ولایات مقامی بود که اتحاد شوروی پول گزافی در آن سرمایه گزاری کرده بود. آقای زنیور تا سقوط رژیم دست نشانده شوروی در آن پست در خدمت اتحاد شوروی قرار داشت و با فروپاشیدن حکومت نجیب، صافی با پولهای باد آورده اش، خود را در پشاور مخفی نمود و در آنجا با نام مستعار (عمرخیل و یا عمرزی) خود و یا کس دیگری کتاب (شب های کابل) را انتشار دادند.

صافی که در شیطنت و فساد در بین صاحب منصبان پولیس شهرت دارد، برای فریب دادن مردم افغان، ریش دراز گذاشته و با داشتن تسبیح در دست در بازارهای پشاور قدم میزند و اولاد های خود را در کشور کانادا فرستاده است. باید گفت که مانند رنجبر، فروزان، صافی و یک تعداد زیاد خلقی ها و پرچمی ها، لیدران تنظیم ها و عده ای از قوماندانان جهادی برای چوکی و بدست آوردن پول و ثروت خود، دین و وطن را فروختند و مردم افغانستان را پامال نمودند.

امیدوارم روزی فرا رسد تا این دزدان، قاتلین و وطن فروشان، به میز محاکمه کشانیده شوند و انتقام ملت افغان از ایشان گرفته شود.

پایان

(*) اصطلاح ملیت ها برای اولین بار در هنگام رژیم کمونیستی در افغانستان به فرمایش شوروی ها ظهور نمود و نام وزارت سرحدات را وزارت اقوام و ملیت ها گذاشتند تا در بین مردم افغانستان تفرقه ایجاد کنند و وحدت ملی این کشور را شکنند سازند. متأسفانه این اصطلاح تا امروز از طرف نویسندگان نا آگاه به خطر آن و یا نویسندگان فروخته شده به ایران مورد استفاده قرار میگیرد. (توضیح از طرف پورتال افغان جرمن آنلاین)